

معمای مشروعیت مسایل هسته‌ای

تجربه ایران اسلامی

دکتر غلامحسن عبیری

پیشگفتار

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (International Atomic Energy Agency یا IAEA) از جمله سازمان‌های مستقل و مرتبط با سازمان ملل متحد است که به امور فنی و تخصصی کنترل و نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای کشورهای عضو مشغول است. اولین کمیسیون انرژی اتمی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ تشکیل شد و برنامه‌هایی را در خصوص تبادل اطلاعات علمی برای هدف‌های صلح‌آمیز، کنترل انرژی اتمی، ازمیان‌بردن سلاح‌های اتمی و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی و نهایتاً استقرار سازمان و نظامی ناظر بر فعالیت‌های کشورهای عضو، در دستور کار خود قرار داد. در سال ۱۹۵۳ هم IAEA اولین مأموریت خود را جهت کنترل جریان غنی‌سازی اتمی کشورها شروع کرد. تعداد کشورهای عضو این آژانس در حال حاضر ۱۳۱ کشور است و سه ارگان با این آژانس همکاری دارند: شورای حکام (با ۳۵ عضو و پنج بار تشکیل جلسه در سال)، کنفرانس عمومی که شاخه قانونگذاری آژانس می‌باشد و نهایتاً دبیرخانه آژانس که مسوول اجرا و عملیاتی‌کردن مصوبات است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، از نظر ساختار مدیریتی هم شش معاونت دارد، که هرکدام مسوول قسمت خاصی می‌باشند.

مهمترین قانون وضع شده آژانس، معاهده‌ای در خصوص منع گسترش سلاح‌های اتمی است که به NPT معروفیت دارد. این معاهده در سال ۱۹۶۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و

ایران از جمله کشورهایی بود که این پیمان را در دوران پهلوی پذیرفت و مفاد آن در سال ۱۳۵۲ شمسی (۱۹۷۳ م) به تصویب مجلس شورای ملی وقت نیز رسید. در سال ۱۳۷۵ شمسی (۱۹۹۶ م) دولت جمهوری اسلامی ایران هم ادامه عضویت در معاهده NPT را پذیرفت، ولی بنا به دلایلی، موضوع به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید. توجه آن که طبق اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چنانچه پیمانی به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسد، وجاهت قانونی نخواهد داشت^(۱).

منافع تجاری کلان آمریکا در منطقه

خاورمیانه و اهمیت نفت خلیج فارس، در

معادلات سیاسی کنونی جهان، نقشی کلیدی

دارند.

کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، می‌توانند از انرژی اتمی در این زمینه‌ها استفاده کنند: بهره‌گیری صلح‌آمیز با اهداف اقتصادی و کاربرد وسیع دانش هسته‌ای در حوزه‌های مختلف تولید برق (توسط نیروگاه‌های اتمی)، کاربرد رادیوایزوتوپ‌ها در صنایع پزشکی، کاربرد پرتوها در صنایع فلزی، پرتودهی محصولات کشاورزی و انبارکردن و نگهداری محصولات کشاورزی، استفاده از پرتوها در معادن نفت و زغال‌سنگ، استفاده در نابودسازی باکتری‌های فاسدکننده صنایع غذایی، پرتونگاری در جوشکاری و نشت‌یابی لوله‌ها و مخازن، استفاده از

رادیوایزوتوپ‌ها در پزشکی هسته‌ای (رادیواکتیو) و مبارزه با بیماری سرطان و بیماری‌های غدد تیروئید. بنابراین، کاربرد وسیع دانش هسته‌ای می‌تواند نقطه خیزی برای توسعه اقتصادی کشورها بشمار آید. در مقابل، دانش هسته‌ای می‌تواند در جهت مقاصد نظامی و به عنوان یک سلاح کشتار جمعی هم مورد بهره‌برداری کشورهای مختلف قرار گیرد.

در حوزه مسایل و مشکلات توسعه ایران، یک الگو دیدگاه فرد هالییدی، اقتصاددان معروف انگلیسی و استاد مدرسه عالی اقتصاد لندن (LSE) است که با کتاب "ایران: دیکتاتوری و توسعه" موضوع نظامیگری را در فرایند توسعه ایران به عنوان یک کشور نفت خیز در فضای جغرافیایی خلیج فارس مورد توجه قرار می‌دهد. دوم، دیدگاه آمارتیا سن، اقتصاددان بنگلادشی برنده جایزه نوبل است که با کتاب "توسعه، یعنی آزادی" مردمسالاری را محور توسعه قرار می‌دهد و نظام جمهوری اسلامی ایران هم طی سال‌های ۸۴-۱۳۷۶ این روند را در کارنامه سیاسی خود به جا گذاشته است.

یادآوری می‌کنم که اولین گام در جهت استفاده از انرژی هسته‌ای، در دهه ۱۹۷۰ در دوران پهلوی برداشته شد، دورانی که شاه نقش ژاندارم خلیج فارس را برعهده داشت و فضای جنگ سرد بر روابط بین‌الملل سایه افکنده بود. امروز ایران با پشت‌سرگذاشتن یک جنگ طولانی هشت‌ساله که طولانی‌ترین جنگ در یکصد سال اخیر در دنیا بوده (۸۸-۱۹۸۰) با مشکل مشروعیت سیاسی هسته‌ای در

جابجایی نیروی انسانی در شهرها عهده‌دار بود، اما با آمدن اتومبیل، دوچرخه از یک کالای ضروری به یک کالای پست تبدیل شد و مشتاقان خرید دوچرخه دیگر با خرید دوچرخه احساس رضایت نمی‌کردند. سپس در فرایند فرآیند صنعتی شدن، دوچرخه از یک وسیله ضروری به یک محصول بهداشتی تبدیل شد و برای سالم‌سازی بدن رسالت یک کالای ورزشی را به عهده گرفت.

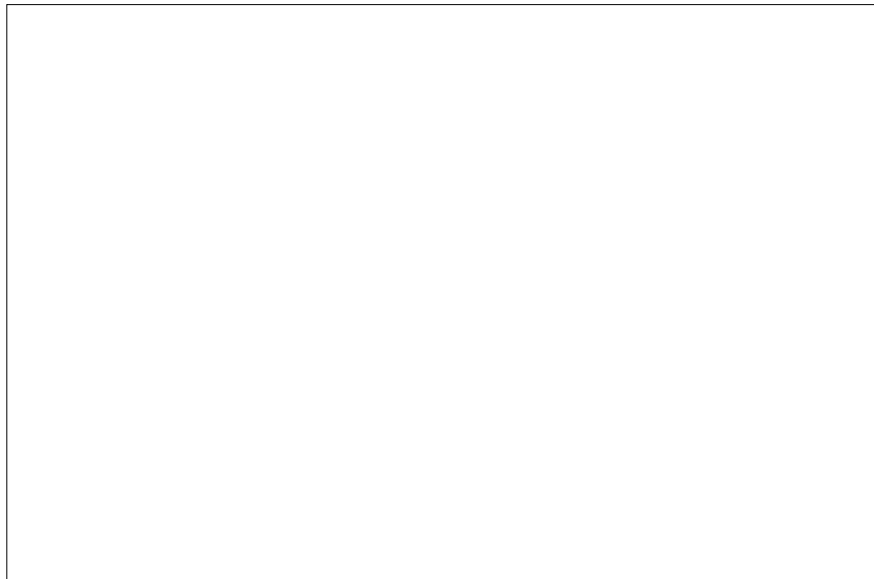
این مثال نقش دوچرخه را در سه دوره متفاوت مورد ارزیابی قرار می‌دهد، نقشی که دانش هسته‌ای هم در طی دوران‌های مختلف بازی کرد: در دوران قبل از جنگ سرد، بمب اتمی به مثابه تولید دانش و توانمندی یک ملت بود؛ در دوران جنگ سرد، بمب اتمی وسیله‌ای برای مهار ابرقدرت‌ها بود و نهایتاً در دوران پس از جنگ سرد و شروع جنگ ستارگان، بمب اتمی جای خود را به "جنگ‌های هسته‌ای کوچک" داد، هر چند که دورنمای کنترل تسلیحات هم چندان روشن نیست.

"سراب" آنجا است که نمی‌دانیم کدام اندیشه را اولی ارزیابی کنیم؟ و با کدام قانون این انسان باید مورد حمایت قرار گیرد؟ و نهایتاً با تحولات جدید و مسایل پنهان، این دوچرخه را برای چه هدفی می‌خواهیم خریداری کنیم؟

پس از عبور از این سراب ما می‌مانیم و این دوچرخه، می‌خواهیم عسل تهیه کنیم یا در کتابخانه ما را هدایت خواهند کرد تا به کتب موردعلاقه دسترسی پیدا کنیم؟ از آنجا که سرنوشت یک ملت در این فرایند تعیین می‌شود و این سرنوشت در منطقه نیز تاثیرگذار عمل خواهد کرد، بنابراین، بهتر است نخبگان متعهدانه‌تر به موضوع توجه نمایند و از یک الگوی مصرف تظاهری، بحرانی بزرگ برای منطقه نیافرینند.

دولت اسلامی

ایران را کشوری با پیشینه بنیادگرایی اسلامی بشمار می‌آورند و نویسندگانی که علیه "غرب‌زدگی" کتاب‌ها نوشته‌اند، ایران مدرن را که نیمی غربی و نیمی شرقی است، نتیجه "بی‌ریشه بودن" می‌دانند. برخی از بنیادگرایان مانند بن‌لادن (Bin Laden) مشکل کشورهای عرب را در این می‌دانند که به اندازه کافی اسلامی نشده‌اند و تنها با بازگشت به اسلام می‌توانند به عدالت دست یابند^(۳). توجه خواهید داشت که



② کاربرد وسیع دانش هسته‌ای، می‌تواند نقطه خیزی برای توسعه اقتصادی کشورها بشمار آید. در مقابل، دانش هسته‌ای می‌تواند در جهت مقاصد نظامی و به عنوان یک سلاح کشتار جمعی هم مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

تجربه دوم، مثالی دردناک از جنگل زیبای Sandarban در بنگلادش است. برمبنای تجربیات آمارتیباسن، سالانه پنجاه نفر انسان که در جستجوی کندوی عسل به قیمت هر شیشه پنجاه سنت آمریکایی، به این جنگل می‌روند، طعمه ببرهای بنگال می‌شوند. این در حالی است که قوانین حفظ محیط زیست از ببرها حفاظت می‌کنند، اما هیچ قانونی برای حمایت از این انسان‌ها وجود ندارد. این تجربه‌ای است دردناک که به صورت دیگر در سایر حوزه‌ها نیز دیده می‌شود.

تجربه عراق و افغانستان از یکسو و تجربه کره شمالی از سوی دیگر، نمونه‌های خوبی از واکنش‌های روزجهان سرمایه‌داری در رابطه با کشورهای درحال رشد بشمار می‌آیند.

ارتباط دو مثال فوق در سرگردانی انسان است، از کتابخانه تا جنگل. انسان در کتابخانه نمی‌داند که در جستجوی چیست؟ و در جنگل نمی‌داند که به چه بهایی باید زندگی کند؟
مثال سوم، آموزش علم اقتصاد است که نمی‌دانیم چگونه به یک کالا هویت داده می‌شود. یک دوچرخه را جلوی چشم خود مجسم کنید. در آغاز حیات، این محصول وسیله حمل‌ونقل بود و نقش موثری را در

صحنه بین‌المللی روبرو شده است. این بررسی، بازنگری حوزه‌هایی است که می‌تواند فضای گفتمان را بهبود بخشد و راهکاری برای خروج از بحران به حساب آید.

سراب اقتصادی

سراب اقتصادی که پیش روی ما مردم کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است، معمایی است که برخی از کارگزاران ارشد اقتصاد با صراحت درباره آن اظهار می‌دارند که مسایل اقتصادی هنوز در اولویت قرار نگرفته است. برای این که عمق این معضل اقتصادی را متوجه شوید، سه مثال را که می‌توانند مکمل هم باشند، اما به ظاهر به شدت ناسازگارند، مورد توجه قرار می‌دهیم:

اول، تجربه LSE یا مدرسه عالی اقتصاد لندن است. Edwin Canan، اولین استاد اقتصاد این مدرسه عالی بر این باور بود که بگذارید دانشجویان خودشان در عمق کتابخانه فروروند تا شناکردن را یاد بگیرند. رفتارهای آموزشی این استاد، مبتنی بر خودداری از هرگونه راهنمایی دانشجویان در زمینه مطالب خواندنی بود. در آن زمان، یعنی یکصدواندی سال قبل، کل کتاب‌های حوزه اقتصاد از چند قفسه کتابخانه تجاوز نمی‌کرد، اما امروز در جهانی زندگی می‌کنیم که در هر سه دقیقه، یک کتاب درباره اقتصاد منتشر می‌شود! آیا هنوز هم می‌توانیم رفتار Canan را الگو قرار دهیم^(۲)؟

در دهه ۱۹۵۰ آمریکا ۷۴ برابر روسیه ذخایر هسته‌ای داشته، در حالی که در سال ۱۹۹۵ روسیه تقریباً دو برابر آمریکا توان هسته‌ای داشته است. جدول شماره دو روند این تغییرات را دهه به دهه نشان می‌دهد.

جدول شماره دو

ظرفیت هسته‌ای ابرقدرت‌ها (۱۹۹۵-۱۹۵۰)

سال	ایالات متحده	روسیه شوروی
۱۹۵۰	۳۷۰	۵
۱۹۶۰	۲۰,۴۰۰	۱,۶۰۰
۱۹۷۰	۲۶,۵۰۰	۱۱,۶۵۰
۱۹۸۰	۲۳,۹۰۰	۳۰,۱۰۰
۱۹۹۰	۲۱,۸۰۰	۳۷,۰۰۰
۱۹۹۵	۱۴,۱۰۰	۲۷,۰۰۰

Source: Rogers, Paul / 2000/ losing Control / pppress.

از دهه ۱۹۸۰ که سیاست نظم نوین جهانی مورد قبول قرار گرفت و ایالات متحده و انگلستان اولین گام‌ها را در جهت کوچک‌سازی دولت و خصوصی‌سازی برداشتند، واکنش‌ها در سایر ملل در حوزه سلاح‌های هسته‌ای به صورت زیر بود:

- آرژانتین و برزیل، تولید سلاح‌های هسته‌ای را کنار گذاشتند.
- آفریقای جنوبی مهمات هسته‌ای را نابود کرد.
- اوکراین، بلاروس و قزاقستان تسلیحات هسته‌ای را به روسیه بازگرداندند.

در گزارش Reed در سال ۱۹۹۱ خطاب به کنگره آمریکا در خصوص مطالعه بازدارندگی استراتژیک در ایالات متحده اینطور نتیجه‌گیری شده است: «ثروت کشورهای صاحب نفت و قدرت‌های هژمونیک جدید، می‌تواند در اختیار کشورهای کوچک قرار گیرد و این کشورها ممکن است کنترل دنیا را در دست گیرند و از قدرت خود جهت ناآرامی در سطح جهانی بهره‌گیرند.» سپس در سال ۱۹۹۳ با تغییر فضای سیاسی آمریکا و روی کار آمدن طرفداران کنترل تسلیحاتی، روند تسلیحات هسته‌ای تغییر کرد و در سال ۱۹۹۶ معاهده جامع منع آزمایش تسلیحات هسته‌ای (CTBT) مورد تأیید ۲۶ کشور از ۴۴ کشور عضو قرار گرفت. کشورهای هند، پاکستان، روسیه، چین و اسرائیل در این معاهده شرکت نکردند.

در سال ۱۹۹۹ بودجه دفاعی آمریکا به قیمت‌های همان سال ۲۷۹ میلیارد دلار و در مقابل،

ارتباط بین ایران مدرن و سنتی مورد استفاده قرار گرفت، امامت‌تلاش‌ها، سرانجام با ظهور اصول‌گرایان درهم‌ریخت.

در نهایت، نظریه اصول‌گرایی اسلامی بود که با شعار "عدالت و مهرورزی" در دولت آقای احمدی‌نژاد محبوبیت یافت و با سمینار "جهان بدون صهیونیسم" تلاش برای مشروعیت‌گرفتن از نیمه دوم سنت‌گرایان جامعه ایران را آغاز کرد.

هر سه گزینه فوق از آن جهت انتخاب شدند تا معضل "هویت و آزادی" را در یک کشور پر جمعیت مسلمان به اثبات برسانند. این مشکل از آنجا سربرمی‌آورد که "جمهوری اسلامی" بیش از یک مفهوم را در اذهان زنده می‌کرد، لذا بار مدرن بودن را بر دوش جمهوریت و بار سنتی بودن را بر دوش اسلام گذاشتند تا تضاد بین خردگرایی ضد سنت و سنت‌گرایی اقتدارگرا را آنطور که پوپر بیان می‌کند، از میان بردارند.

ساختار هسته‌ای

هزینه جنگ سرد در طی چهل و پنج سال بالغ بر یک هزار میلیارد دلار (به قیمت‌های سال ۲۰۰۰) بوده است. این رقم به‌طور مقایسه‌ای در سال ۱۹۸۷ برای کل هزینه‌های نظامی در سطح جهان ۹۲۶ میلیارد دلار، برای هزینه بهداشت در همین سال ۷۹۴ میلیارد دلار و برای هزینه آموزش ۹۰۴ میلیارد دلار برآورد شده است. مخارج نظامی ناتو و پیمان ورشو نیز در همان سال ۷۴۵ میلیارد دلار و مخارج عمومی بهداشت و آموزش دنیا در همان سال ۱۴۳ میلیارد دلار ذکر شده است. در مقابل این هزینه ماشین نظامی، تعداد کشته‌شدگان در کشورهای مختلف به صورت جدول شماره یک بوده است^(۶).

جدول شماره یک

کشور	تعداد کشته‌شدگان
السالوادور	۱۰۰ هزار نفر
نیکاراگوئه	۱۰۰ هزار نفر
آنگولا	۷۵۰ هزار نفر
شاخ آفریقا	۹۰۰ هزار نفر
کره	۳ میلیون نفر
ویتنام	۳/۲ میلیون نفر
افغانستان	۵/۱ میلیون نفر

روند ظرفیت ذخایر هسته‌ای ابرقدرت‌ها کاملاً متفاوت و نشان‌دهنده تغییر ماهوی روندها بوده است.

اسلام و غرب چهارده قرن در کنار یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیز داشته‌اند، اما با انقلاب ۱۹۷۹ ایران، بنیادگرایی اسلامی رونق خاصی پیدا می‌کند. اسلام دینی است که در یک جهان‌بینی، ذاتاً ضد غرب یا ضد مدرن عمل می‌کند و در جهان‌بینی دیگر، با سرمایه‌داری سازگاری بالایی دارد.

از نظر آماری، از ۱/۲ میلیارد مسلمان دنیا، تنها ۲۶۰ میلیون نفر در دنیای عرب زندگی می‌کنند و نگاه عامیانه غرب، اسلام، خاورمیانه و عرب را هم‌خانواده می‌داند. برخی از رهبران سیاسی - نظامی مانند ژنرال ضیاءالحق در دهه ۱۹۸۰ در پاکستان برای مشروعیت‌گرفتن به اسلام روی آوردند، هر چند که همین موضوع باعث تغییر و تحلیل بافت اجتماعی این کشور شد.

ایران تعارض خودبا غرب را باواژه "شیطان بزرگ" که برای آمریکا به کار گرفته شد، در آغاز دهه ۱۹۸۰ شروع کرد. به تدریج "جنگ تحمیلی" ایران و عراق از جمله "جنگ‌های نیابتی" بشمار آمد که در طبقه‌بندی Paul Rogers (۲۰۰۰) محصول آموزه‌های جنگ سرد بود. در این طبقه‌بندی، موارد زیر قابل رویت است^(۴):

- الف) رقابت تسلیحات هسته‌ای.
- ب) ژست‌های استراتژیک.
- پ) بحران خیالی.
- ت) جنگ‌های نیابتی.

در این فضای امنیت جهانی، سه ساختار تئوریک حیات دولت ایران را تحت‌الشعاع قرار داد: اول، نظریه ادغام در ساختار سرمایه‌داری جهانی بود که در دولت آقای رفسنجانی به وقوع پیوست و از طریق وام‌های طولی‌المدت، سرمایه‌گذاری خارجی گسترده‌ای در اختیار ایران قرار گرفت. این روند، گرایش غربی داشت و نیمی از ایرانیان که بین اسلام و سرمایه‌داری تعارضی نمی‌دیدند، در این فرایند مشارکت فعال داشتند، اما نیمی دیگر که غرب‌ستیز عمل می‌کردند (اصول‌گرایان) از مشارکت در آن پرهیز کردند.

دوم، نظریه مردمسالاری دینی بود که در دولت آقای خاتمی شکل گرفت و نیمی از دوی درد را در مردمسالاری غربی می‌دید. این مفهوم به نحو مطلوبی توسط آمارتیسین در کتاب "آزادی، یعنی توسعه" مورد بررسی قرار گرفته است^(۵). اضافه کردن صفت دینی به مردمسالاری نیز برای ایجاد فضای

سه‌م روسیه تنها ۳۱ میلیارد دلار بوده است. ایده جنگ‌های هسته‌ای کوچک در مکان‌های بسیار دور، بخشی از آینده تسلیحات هسته‌ای است. کره شمالی در مسیر توسعه صادرات تکنولوژیکی موشکی در شرق آسیا، منبع قابل توجهی برای درگیری بالقوه در نظر گرفته می‌شود. آسیای جنوب غربی دومین منطقه خطرناک به حساب می‌آید و Rogers با استدلال‌های خود در حادثه یازدهم سپتامبر و گسترش پدیده تروریسم، دو علت را برای آن بیان می‌کند: نخست آنکه، ایران و عراق هر دو به دنبال هژمونی منطقه‌ای می‌باشند و دوم، ادامه حمایت مستمر آمریکا از اسرائیل. بدیهی است که منافع کلان تجاری آمریکا در منطقه خاورمیانه و اهمیت نفت خلیج فارس نیز در این میان نقش کلیدی را بازی می‌کنند^(۷).

تجربه حمله هوایی آمریکا به لیبی در سال ۱۹۸۶، و عملیات "روبه صحرا" در سال ۱۹۹۸ توسط آمریکا و انگلستان علیه عراق نیز در همین رابطه قابل‌ارزیابی است. هدف از این حمله، تخریب سیستم‌های دفاعی، فرماندهی و نظارتی و کارخانه‌های تولید تسلیحات عراق بود. یکی از توانایی‌های قابل‌توجه آمریکا در عرصه جهانی که در سال ۱۹۹۴ به نمایش گذاشته شد، پرواز دو بمبافکن ۵۲ - B حامل ۵۰ بمب از پایگاه هوایی در لویزیانا است که با پنج بار سوخت‌گیری هوایی ظرف دو روز پرواز مستمر، محدوده خاصی از کویت را بمباران نمود. این توانایی در مقابل حملات تروریستی گسترده در سطح جهانی، پارادایم جدید امنیتی را پیش روی ما قرار می‌دهد که بیانگر گسترش ریشه‌های شکاف فقر و ثروت در حوزه ثروت بین‌المللی در پنج دهه گذشته می‌باشد. بدیهی است که این انتقال ثروت، بر روی مشکلات تجاری، بدهی‌ها و حقوق نیروی کار در سطح جهانی تاثیر منفی گذاشته است.

شبیه‌سازی

غرب، تجربه جنگ جهانی اول با ۸/۵ میلیون نفر تلفات نظامی و ۱۳ میلیون تلفات غیرنظامی، در کنار جنگ جهانی دوم با ۱۹ میلیون تلفات نظامی و ۲۰ میلیون تلفات غیرنظامی را در کنار سایر جنگ‌ها با شش میلیون تلفات نظامی و شش میلیون تلفات غیرنظامی (شهری) از یاد نبرده است. این رویدادها با

احتساب جنگ چین و ژاپن در آغاز قرن بیستم با ۱۵ میلیون تلفات انسانی، در مجموع ۸۷/۵ میلیون تلفات انسان به خاطر اندیشه‌های مختلف را به دنبال داشته‌اند.

آموزه‌های غرب از چهار شخصیت هیتلر، لنین، استالین و مائو، محور باورهای فراسطوره‌ای با گرایش‌های خودتریبینی و استفاده نادرست از گستره تکنولوژی صنعتی می‌باشد، رهبرانی که با استفاده از احساسات سیاسی، سعی در استقرار مدینه فاضله خاص خود داشتند. برای مثال، هیتلر بر این باور بود که اعتقاد به اصل برابری انسان‌ها، نوعی داروی سکرآور است که یهودیان جهان با کمک کلیسای مسیحی تبلیغ می‌کنند، در حالی که برتری نژادی بر برابری چیره خواهد شد و نژاد اصیل آریایی آلمانی رهبری آن را به دست خواهد گرفت! در این مسیر، برنامه‌هایی زیر فرمان هیتلر به اجرا درآمد و بنای قصر جدید پیشوا، هفتاد برابر بزرگتر از ساختمان بزرگ نازی‌ها در سال ۱۹۳۰ شد. یا کاخ شخصی هیتلر که یکصدوینجاه برابر کاخ بیسمارک بود، با سالی به ظرفیت صد هزار صندلی برای حامیان، سالن کنفرانس شصت هزار نفره، استادیوم ورزشی پانصد هزار نفره و زمین رژه نظامی برای یک میلیون نفر!

فرصتی که امروز در پیش روی ایران است، نقطه عطفی در تاریخ روابط بین‌الملل بشمار می‌رود و نقطه آغازی برای تسریع رشد اقتصادی است.

این رفتار در صدام‌حسین، رهبر پیشین عراق نیز قابل‌رویت بود. ایجاد کاخ‌های بزرگ، رویای سردار قادسیه، اندیشه دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و عشق به رهبری کشورهای عرب با ۲۶۰ میلیون نفر نیزوی را افسون کرده بود.

از دیدگاه فلسفی نیز فلسفه لنین که "هرکس از ما نیست، علیه ما است" تزئین‌کننده شعارهای سیاسی این رهبران بود، در حالی که روند سیاسی - اجتماعی این کشورها با فساد و خشونت آغشته شده بود. با این تجربه و با فرض این‌که کشورهای اسلامی نتوانسته‌اند از تضاد بین توتالیتریزم و دموکراسی یا مدرنیته و سنت‌گرایی رهایی یابند، غرب و در رأس آن، ایالات متحده، ایران را پیش روی خود می‌بیند، ایرانی که در شبیه‌سازی با معیارهای آنان، چیزی شبیه آلمان

نازی، روسیه شوروی، چین مائویی و یا عراق دهه ۱۹۸۰ است.

این شبیه‌سازی، فضای اعتماد آنان را نسبت به گزاره‌های دیپلماسی مقامات ارشد مذاکره‌کننده هسته‌ای به شدت تضعیف کرده است و از این رو است که می‌خواهند بخشی از برنامه هسته‌ای را به خاک ثالث - طرح پیشنهادی روسیه منتقل کنند.

شکی نیست که فضاهای سیاسی - نظامی یا امنیتی و اطلاعاتی دیگری نیز وجود دارند که با توجه به عدم دسترسی نویسنده به تحلیل‌های مناسب، فضای کار را سنگین‌تر کرده‌اند. برگزاری سمینار "جهان بدون صهیونیسم" درست در آستانه تغییرات ریاست‌جمهوری (سال ۱۳۸۴ - تهران)، و ده‌ها گزارش رسمی و غیررسمی راجع به طرح حمله اسرائیل به ایران از آغاز سال جاری، همه و همه وجود رفتارهای متعارض را در طرفین "معادله بازی" نشان می‌دهند^(۸). بنابراین، ایران می‌بایست در داخل و خارج، از الگوهای بهره‌برداری کند که به‌گونه‌ای "اعتمادزا" پیش برود. در نتیجه، هرگونه رفتارها، سیاست‌ها و الگوهای که می‌توانند ضدتتش بشمار آیند، باید در برنامه‌های کاری قرار گیرند. آیا این مهم با چیدمان سرمایه‌های انسانی با پیشینه نظامی‌گری در دولت آقای احمدی‌نژاد کارساز می‌باشد؟ یا این آرایش نیروی انسانی صرفاً به منظور مقابله با فساد و پاک‌سازی دستگاه‌های دولتی از رشوه‌خواری و کنترل بودجه و مهار تورم تدارک دیده شده است؟ صرفنظر از هر پاسخی که ما در ذهن خود پرورش دهیم، در شرایط بحران مشروعیت مسایل هسته‌ای، ایران باید اعتمادگرا عمل کند تا از محیط شبیه‌سازی به درستی خارج شویم.

پیش‌بینی بازی

کارگزاران سیاسی ایران مطمئناً تجربه واکنش‌های غرب در بازی‌های مختلف را به خاطر دارند. تجربه عراق و افغانستان از یکسو و تجربه کره شمالی در سوی دیگر، نمونه‌های خوبی از واکنش‌های روز جهان سرمایه‌داری در رابطه با کشورهای در حال رشد بشمار می‌آیند. در مسایل عراق، واکنش پیچیده بود و در طول زمان، دیپلماسی حاکم، آغاز حمله را توجیه نمود. روند استفاده صدام حسین از بمب‌های شیمیایی علیه ایران و تفکرات امپریالیستی حاکم بر جهان‌بینی وی، زمینه توجیه و ائتلاف آمریکا

و بریتانیا برای غلبه بر تحولات بنیادی را در منطقه پدید آوردند. در خصوص افغانستان نیز واکنش آمریکا در رابطه با واقعه یازده سپتامبر به رهبری القاعده، مشروعیت حمله به افغانستان را به دنبال داشت، اما کره شمالی خود را از قواعد فوق مستثنا می‌داند و مشروعیت برای حمله نظامی توجیه نمی‌شود، نه به خاطر این که روند هسته‌ای این کشور بدون دغدغه است، بلکه بدان علت که از مزایای جانبی چاه‌های نفتی بی‌بهره است.

غرب در واکنش‌های خود چند معیار را نمی‌تواند نادیده بگیرد:

الف: منافع اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم ناشی از تجزیه و تحلیل هزینه و فایده اجتماعی.

ب: توجه به پیوندهای سیاسی موجود در منطقه هدف.

پ: چگونگی دستیابی به موازنه جدید در منطقه.
ت: مقایسه هزینه‌ها در انتخاب گزینه‌ها یا واکنش‌های متفاوت.

این معیارها از ضرایب اهمیت متفاوتی برخوردارند. ضرایب، تابع بازی دیپلماسی و شرایط منطقه خواهند بود.

بهترین بازی، بازی با مجموعه غیرصفر است، به نحوی که طرفین از نتایج دیپلماسی بهره‌مند شوند. این بازی به مهارت‌های تمام بازیگران و فراداده‌ها (Meta data) - جزئیات داده بستگی دارد.

هوش دیپلماسی متکی بر استفاده از فرااطلاعات موجود در فرایند، می‌تواند تصمیم‌گیری را بهبود بخشد. اما همیشه این بازی‌ها تابع نظم و قاعده خاص نیستند و تنها پس از بازی، قواعد بازی را مستند می‌کنند. این واکنش، در واقع، بازی با مجموعه صفر است، به نحوی که برد یک طرف، با باخت طرف مقابل توجیه می‌شود.

ملاحظه می‌کنید که دستیابی به موفقیت غیرممکن نیست، به شرط آن که بتوانیم بازی دیپلماسی را با توازن جلو ببریم. غرب ترجیح می‌دهد که عامل توازن را با هر بهانه‌ای از میان بردارد و ما را به سوی دیپلماسی اذیکال سوق دهد. در این شرایط، می‌تواند از بی‌نظمی فرایند بهره‌برداری نماید و امتیازات بیشتری را برای خود ذخیره‌سازی کند، ذخایری که دست غرب را برای هر واکنشی بازمی‌گذارد و "مشروعیت فراساختاری" ایجاد می‌کند.

لازم است توجه داشته باشیم که بازی‌ها بر

مختصات اخلاقی پایه‌گذاری نمی‌شوند، لذا با احساسات و عواطف انسانی نمی‌توانیم اصول بازی را تحت تاثیر قرار دهیم. در این بازی، گرفتن و دادن امتیاز، بخش مهمی از نتایج بازی است. حافظه طرفین بازی از شبیه‌سازی‌ها هم در گرفتن امتیازات موثر می‌باشد.

مشکل در هدایت بازی به سمت مجموعه غیرصفر است و برخی داده‌های ناهمگن نیز عملاً برداشت‌های اولیه را نامطلوب نموده و مشروعیت دستیابی به دانش هسته‌ای را مورد تردید قرار می‌دهند. ورود این داده‌ها به حوزه‌های تصمیم، همانا عدم شفافیت کارگزاران و ضعف پایگاه‌های اطلاع‌رسانی است. تقویت محیط دیپلماسی و تنوع در ترکیب کارگزاران، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند زبان دیپلماسی و الگوبازی را متحول سازد. بدترین حرکت در بازی نیز همانا گرایش به سوی بازی‌های حذفی خواهد بود.

مسیر مین‌گذاری شده

ایران خواسته یا ناخواسته بعد از جنگ جهانی دوم همواره در مسیری قرار داشته است که ابرقدرت‌ها از توانمندی‌هایش بهره گرفته‌اند و در طول سال‌های جنگ سرد نیز نقش مهمی را در موفقیت نیروهای متخاصم بازی کرده است. پس از فروپاشی شوروی و ظهور تروریسم، نقش ایران همچنان کلیدی باقی ماند، در حالی که ابرقدرت‌ها در مساله فلسطین، نگرشی خلاف اهداف جمهوری اسلامی را دنبال کرده‌اند و جنبش‌های اسلامی در اقصی نقاط دنیا بحث‌برانگیز شده‌اند. بدون تردید، پدیده فلسطین از جمله معادلاتی است که دستیابی به موفقیت در آن ساده نیست.

همچنین موضوع مدرن‌سازی کشورهای در حال توسعه برای غرب هنوز ناتمام باقی مانده است. به عبارتی ساده‌تر، همه نمادها در جهت تایید برخورد دو تمدن مسیحی و اسلامی قرار گرفته‌اند. در این فرایند، سیاست‌های منسجم نظم نوین جهانی هنوز نتوانسته است در برخی از حوزه‌ها مشکلات کشورهای شمال و جنوب را حل کند.

سیاست آمریکا در جهت بی‌نیازی از نفت خلیج فارس، دیر یا زود قطعیت خواهد یافت. اروپا هم هنوز آمادگی همزیستی در کنار ایران اتمی را به دست نیاورده است. کشورهای منطقه خاورمیانه نیز واکنش‌های همگن ندارند. بنابراین، مسوولیت دولت

ایران در این "بازی خطرناک و غیرقابل پیش‌بینی" ریسک‌پذیری بیش از حد را ایجاد می‌کند. از یکسو، این پرسش مطرح است که ایران اتمی در آینده چه نقشی را در خاورمیانه به عهده خواهد گرفت؟ و از سوی دیگر، این پرسش مطرح است که آیا کنار گذاشتن اهداف اتمی، مسیر دستیابی به توسعه را برای ایران هموار خواهد کرد؟ در هر حال، راهکار اصلی، همانا دستیابی به توسعه، عزت اسلامی و پیوند سازنده بین غرب و شرق است. این مهم بدون گسترش روابط بین‌الملل و حضور سازنده در مجامع و لابی‌های مناسب امکان‌پذیر نیست و این شرایط بهترین زمان برای عبور از "سراب اقتصادی" است. فرصتی که امروز پیش روی ایران است، نقطه عطفی در تاریخ روابط بین‌الملل بشمار می‌آید و نقطه آغازی برای تسریع رشد اقتصادی است و انتظار می‌رود که سیاستگذاران نسبت به آن غفلت نورزند و خدمت به مردم ایران را محور قرار دهند. ■

منابع

- ۱) اجاقلو، نسیم‌الله / ۱۳۸۴ / پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران / تهران / زیتون.
- ۲) آزاد، غلامرضا / ۱۳۸۴ / تاریخ اندیشه اقتصادی / نشر نی / صفحه ۴۱ / ترجمه کتاب: Robbin, L.R / 2000 / A History of Economic Thought: The LSE Lectures / Princeton Univ. Press.
- ۳) ذکریا، فرید / ۱۳۸۴ / آینده آزادی: اولویت لیبرالیسم بر دموکراسی / طرح نو / صفحه ۱۴۴ / ترجمه نوروزی، امیرحسین / عنوان اصلی کتاب: Zakaria Fareed / 2003 / The Future of Freedom: Illiberal Democracy at Home and Abroad / Norton Press.
- 4) Rogers, Paul / 2000 / Losing Control: Global Security in the Twenty-first Century / 2nd ed./ 2002
- ترجمه یوسفی، امیرمحمد؛ جلیلی، مزگان / انتشارات پژوهشکده مطالعات کاربردی (زوال کنترل - امنیت جهانی در قرن بیست و یکم).
- 5) Sen, Amartya K. / 1999 / Development as Freedom
- ترجمه نوری نایینی / نشر نی / فصل ششم / اهمیت مردمسالاری / صفحات ۲۸۷-۲۷۴.
- 6) Brezinezki, Zbigniew K./ Out of Control: Global Turmoil on The Eve of the Twenty-First Century
- ترجمه نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم / اطلاعات / ۱۳۸۱ / صفحات ۳۵-۲۲.
- ۷) مراجعه شود به Rogers (۴).
- ۸) سمینار جهان بدون صهیونیسم / تهران / ۱۳۸۴.